



سخن سردبیر

یک ملت حس تاریخی

هر ملتی در طول تاریخ خود فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر می‌گذارد. همان‌گونه که گاهی لحظاتی از شور و شادی و پیروزی و غرور او را در بر می‌گیرد، گاه نیز با لحظه‌هایی خطرناک و پرمخاطره مواجه می‌شود. در هر دو حال لازم است، آن اندازه هوشیاری و توانایی داشته باشد که بتواند در هر دو موقعیت، اقدام و عمل شایسته و بایسته‌ای از خود نشان دهد.

این که هر انسانی در هر شرایطی، عمل و واکنش مناسبی بروز دهد، امری طبیعی است و می‌تواند بنابه غریزه یا شرایط زیستی و نیز تربیت و مانند آن باشد. اما بدون شک نقش انسان‌ها در تصمیم‌گیری و عمل با هم یکسان نیست. هدف انسان‌ها از انجام هر عملی چیست و چه چیزی محرک و مشوق آن‌هاست؟ آیا صرف یک انگیزه‌ی غریزی و ذاتی، آن هم برای منفعتی کوتاه‌مدت و محدود، انسان را به سوی انجام کارها و امور زندگی‌اش رهنمون می‌سازد، یا در هر اقدامی، اعم از کوچک و بزرگ، هدفی بلند، انگیزه‌ای متعالی، و طرح و نقشه‌ای بزرگ وجود دارد؟

از آن‌جا که گوهر و شرافت انسانی به عقل و اراده‌ی اوست، هر اندازه هدف انسان‌ها معقول‌تر، بزرگ‌تر و متعالی‌تر باشد، نتایج بهتر و بیش‌تری را به دنبال خواهد داشت. این نکته را می‌توان چنین بیان کرد: انسان‌هایی که دچار روزمرگی هستند و جز به رفع نیازهای معمولی خود نمی‌پردازند، همواره در همان سطح خواهند ماند و چون تاریخ و جوامع بشری هر روز جلوتر و بالاتر می‌رود، آن‌ها حتی پائین‌تر نیز خواهند رفت. اما انسان‌هایی که فراتر از روزمرگی‌ها می‌اندیشند و برای خود هدف‌های بلند دارند، در مراحل بالاتر گام خواهند گذاشت.

این که مردم جامعه‌ای بتوانند، فراتر از روزمرگی‌ها را ببینند و برای آینده‌ای دوردست تلاش کنند، از یک سنت اخلاقی منبث است. اما دستیابی به همین سنت اخلاقی، خود با بهره‌گیری از تاریخ ممکن و میسر می‌شود.

از آن جا که تاریخ، زندگی انسان‌ها و جوامع بشری را در مدت زمانی طولانی بررسی می‌کند و نگرشی درازمدت به آن‌ها دارد، هر واقعه‌ای و در اصل هر عملی را در مقیاس وسیع و بلندمدت مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهد. همان‌گونه که در تاریخ، هر واقعه، حاصل مجموعه‌ای از رویدادها و براینده طولانی مدت یا کوتاه مدت رخدادهاست، دو واقعه نیز، در کوتاه مدت و بلندمدت، دارای آثار و نتایجی متعدد و مستمر تلقی می‌شوند. در واقع، نگرش تاریخ به هر واقعه‌ای، همچنان که سعی می‌شود واقع‌بینانه باشد، در مقیاس بلندمدت و با عمق و پهنای لازم آن باید صورت گیرد.

نگاه مورخ به وقایع، نگاهی سطحی و گذرا نیست، بلکه هر واقعه‌ای را ناظر به مسیری، و منتهی به هدف و نتیجه‌ای می‌داند؛ همچنان که همان واقعه خود براینده وقایعی به شمار می‌آید که پیش از این رخ داده‌اند. کسانی که تاریخ را به دقت فرا می‌گیرند و در آن ممارستی دارند، پس از چندی، چنین نگاهی به وقایع، ملکه‌ی ذهنشان می‌شود و این فراست را دارا می‌شوند که از بالا و در مقیاس بلند، تأثیر و نیز نتایج وقایع را دریابند.

همین ادراک و استنباط از تاریخ را که خاص مورخان هم نیست، بلکه هر کسی با تاریخ به درستی سروکار داشته باشد، بدان دست می‌یابد، «حسن تاریخی» می‌نامند. حسن تاریخی نقش بسیار مهمی در «بقای ملت‌ها» و نیز «پیشرفت انسان‌ها» داشته است. چنان که ملتی فاقد حسن تاریخی باشد، یا حتی این حسن در آن ضعیف شده باشد، یا در معرض خطر قرار می‌گیرد و یا عقب مانده می‌شود. حسن تاریخی به ملت کمک می‌کند، فرصت‌های پیشرفت را دریابد و در هر اقدام و عمل خویش، آگاهی و اشراف لازم را برای سنجش آن عمل و تأثیرش بر آرمان ملی خویش، به دست آورد.

همان‌گونه که کارگر در کارخانه، کشاورز در مزرعه، معلم در کلاس، سیاستمدار پشت میز مذاکره و سرباز در سنگر می‌داند که همان کار و وظیفه‌ی جزئی او، در یک فرایند کلی چه نتیجه‌ای خواهد داشت، حسن تاریخی به یک ملت این هوشیاری را می‌دهد که مواقع حساس، خطیر و خطرناک مسیر تاریخ خویش را بشناسد و در برابر آن، واکنش لازم را نشان دهد. به مدد همین حسن و تقویت آن است که «نفع و ضرر»، «دوست و دشمن» و «ایمنی و خطر» در مقیاس وسیع، تشخیص داده می‌شود. چنین حسی به حفظ میهن و تحقق منافع آن، در هر زمان و هر شرایطی کمک خواهد کرد.

حسن تاریخی، هوشیاری لازم را برای یک ملت در مواقع حساس فراهم خواهد آورد و بسیج آن‌ها را برای حفظ منافع ملی به دنبال خواهد داشت. حتی اگر ملتی در نشیب و فراز ایام دچار شکست و مشکلی شود، باز با استعانت به همین حسن تاریخی است که می‌تواند فرصت‌ها را مغتنم شمارد، تلاش و کوشش خود را هماهنگ سازد و مصروف احیای خویش کند.

حسن تاریخی لازمه‌ی حیات و بقای ملت‌ها به شمار می‌آید. هر ملتی با اتکا به شخص‌ها، حماسه‌ها، کتاب‌ها، شعرها، یادآوری خطرات و صدمات گذشته، بزرگداشت پیروزی‌ها و تجلیل از قهرمانان، و... هم در شکل‌گیری این حسن و هم در تقویت هرچه بیش‌تر و مداوم آن می‌کوشد. ملت ما و دیگر ملت‌های بزرگ جهان به اتکای همین حسن تاریخی است که در تاریخ دوام آورده‌اند و در برهه‌هایی، صاحب آوازه و افتخار شده‌اند. تضعیف این حسن را باید خطری جدی در حیات عالی هر کشور دانست.

دکتر عبدالرسول خیراندیش